

امکان سنجی تأثیر اخلاق بر مبانی اقتصاد خرد و کلان

ابوالقاسم توحیدی نیا*

گروه علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

زمینه: این مقاله به بحث پیرامون مفهوم عقلانیت اقتصادی متعارف و انتقادات وارد شده به آن می پردازد و سعی می نماید با مد نظر قرار دادن این انتقادات، آن مفهوم را تعدیل نماید طوری که عوامل اقتصادی با واقعیات زندگی هماهنگی بیشتری داشته باشد.

روش: در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه و بررسی منابع اقتصادی موجود، نظریات برخی از اقتصاددانان مشهور پیرامون تغییر این مفهوم مطرح شده و مفهوم عقلانیت اقتصادی توسعه یافته از آنها استخراج گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌های این مقاله که حاصل تحلیل مقایسه ای اثرات به کارگیری دو مفهوم عقلانیت اقتصادی است نشان می دهد که ورود اخلاق به مباحث و تحلیلهای اقتصادی مانند فرضیه دوران زندگی و کارایی مالیات بر آلودگی - می تواند آنها را تحت تأثیر قرار داده و راه‌های جدید یا تغییرات کمی و کیفی را در آنها ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری: در پایان نیز این طور نتیجه گیری می شود که جهت عینیت بخشیدن به پیش فرض عقلانیت توسعه یافته باید از طریق فرهنگ سازی ارزشهای اخلاقی و هنجارهای انسانی، فرهنگ عمومی را اصلاح نمود طوری که اخلاقیات در رفتارهای عوامل اقتصادی نمود بیشتری داشته باشد.

کلید واژه‌ها: عقلانیت اقتصادی، مطلوبیت، مبانی اقتصاد، عقلانیت، نفع شخصی.

سرآغاز

باید در نظریه‌ها و تحلیلهای اقتصادی وارد گردد. به عبارت دیگر، اگرچه افراد مصرف‌کننده به طور بی‌واسطه و افراد تولیدکننده به واسطه کسب حداکثر سود به دنبال حداکثر نمودن مطلوبیت خویش هستند اما این تنها نفع شخصی مادی نیست که عامل ایجاد مطلوبیت است بلکه عمل به ترجیحات اخلاقی هم می‌تواند مطلوبیت آور باشد و لذا باید در معادلات اقتصادی دیده شود. این دسته از اقتصاد دانان برای وارد کردن ارزشهای اخلاقی در حوزه مسائل اقتصادی به مفهوم عقلانیت اقتصادی متوسل شده و با تعریف این مفهوم به گونه دیگری که با واقعیات رفتاری عوامل اقتصادی تناسب بیشتری دارد یعنی با تعریف عقلانیت به گونه‌ای

در حوزه مسائل اقتصادی، سالهای بسیار این دیدگاه وجود داشته است که افراد و بنگاهها رفتار عقلایی حداکثر کردن نفع شخصی را دنبال می‌کنند و لذا این نوع رفتار عوامل اقتصادی، پیش فرض تحلیلهای اقتصادی قرار گرفته است اما امروزه دیدگاه دیگری توسط بسیاری از اقتصاددانان مطرح شده است که این اندیشه را نفی نکرده اما تکیه کردن به آن را به عنوان تنها عامل جهت دهنده رفتار اقتصادی منطبق با واقعیات زندگی انسانی نمی‌داند و به جای آن بیان می‌دارد که بسیاری از رفتارهای انسان، منبعت از ارزشهای اخلاقی است که لزوماً حداکثرکننده نفع شخصی مادی نیست اما مطلوبیت افراد را افزایش می‌دهد و لذا ملاحظات اخلاقی

که اخلاق را هم به عنوان یک منبع مطلوبیت‌آور شامل گردد وارد کردن اخلاق به حوزه مسایل اقتصادی را تحقق بخشیده‌اند. آنها برای حصول به مقصود، پای رفتارهایی را که مبتنی بر سود و نفع شخصی نبوده اما به طور مکرر از انسانهای عقلایی سر می‌زنند به میان کشانده و این رفتارها را نشان دهنده آن می‌دانند که غیر از نفع شخصی، محرک و انگیزه قوی دیگری نیز وجود دارد که در زندگی انسان عقلایی نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا کرده و برای او ترجیح‌آور و مطلوبیت‌زا است و آن چیزی نیست مگر اخلاقیات که البته به فراخور جوامع، تعریف و محدوده آن متفاوت می‌باشد ولی پرداختن به آن در اینجا منظور ما نیست.

روش کار

در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه و بررسی منابع موجود اقتصادی، نظریات برخی از اقتصاددانان پیرامون مفهوم عقلانیت اقتصادی و تبیین مفهوم جدید آن انعکاس داده شده و اخلاقیات به حوزه مسائل اقتصادی کشانده شده است و بدین ترتیب تأثیر توجه به اخلاق بر مباحث و تحلیل‌هایی که در اقتصاد خرد و اقتصاد کلان مطرح است به طور جزئی و موردی و با کمک گرفتن از تحلیل‌های نموداری منطقی موجود در ادبیات اقتصاد متعارف تبیین شده است. از این طریق، این سؤال که آیا ورود اخلاق به عرصه اقتصاد می‌تواند نقش مؤثری در نتایج حاصله ایفا نماید یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ، سازوکار این اثربخشی چگونه است، مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

عقلانیت اقتصادی^۱

یکی از موضوعات دیرپای علم اقتصاد به اصل انسان اقتصادی که رفتار عقلانی دارد بر می‌گردد. آمارتیا سن (۷) در مورد جایگاه رفتار عقلانی در اقتصاد می‌گوید: «فرض رفتار عقلانی نقش مهمی را در علم اقتصاد نوین ایفا می‌کند». برای عقلانیت اقتصادی معانی متعددی در نظر گرفته شده است.

اسملسر (۲) چهار معنا برای آن مطرح می‌کند:

الف) عقلانیت اقتصادی به معانی انتخاب عقلایی در میان رضایتمندی مادی می‌باشد زیرا تنها عامل محرک بشر همین رضایتمندی است.

ب) بروز رفتار عقلایی هنگامی که انسان با موقعیتهای اقتصادی متعددی روبرو می‌شود.

تفاوت این مورد با مورد قبلی آن است که در تعریف الف، کلی روانشناختی بشر در رضایتمندی اقتصادی خلاصه شد اما در اینجا عامل رضایتمندی مادی تنها جزئی از واقعیت روانشناختی بشر را تشکیل می‌دهد.

ج) عقلانیت اقتصادی به معنای یک ابزار تحقیقاتی جهت ساده-سازی مفهومی به منظور تجزیه و تحلیل مسائل علمی می‌باشد.

د) عقلانیت اقتصادی به عنوان یک ارزش نهادی تلقی می‌شود یعنی چیزی بیش از یک اصل روانشناختی که به عنوان معیاری برای سنجش رفتار اشخاص به کار می‌رود.

سن (۷) در خصوص رفتار عقلانی بر این نظر است که در اقتصاد دو تعریف اصلی از عقلانیت رفتاری مطرح می‌شود. یکی، عقلانیت به معنای سازگاری درونی گزینشها است و دیگری عقلانیت حداکثر کردن نفع شخصی می‌باشد. وی تعریف اول را بدین ترتیب نقد می‌کند که اگر شخصی دقیقاً بر خلاف آن کاری را انجام دهد

ب- انتقاد دوم آن است که این فرض لزوماً به تحقق شرایط بهینه منتهی نخواهد شد و لذا نظریه پردازان جدید، عواملی غیر از حداکثر کردن نفع شخصی و حتی گاهی مخالف آن را برای رسیدن به موفقیت صنعتی مطرح می‌کنند. در این زمینه سن (همان) معتقد است که لااقل در مورد ژاپن می‌توان با تکیه بر شواهد تجربی حدس زد که پرهیز از اتخاذ رفتار معطوف به نفع شخصی به نفع ادای تکلیف، وفاداری و حسن نیت، سهمی اساسی در موفقیت صنعتی اش ایفا کرده است.

ج- از جمله انتقادات وارد شده به عقلانیت حداکثر کردن نفع شخصی این است که تعریف عقلانیت به حداکثر کردن نفع شخصی تعریف جامعی نیست زیرا نمی‌تواند رفتار اقتصادی انسان را به اندازه کافی توضیح دهد. هولمز و کرامر (۱۶) بر این باورند که یکی از رفتارهایی که با حداکثر کردن نفع شخصی منافات دارد، «عمل مبتنی بر تعهد» است. گاهی از مواقع، تعهد، انسان را به کاری وا می‌دارد که نزد او رجحان کمتری دارد و لذا نفع شخصی او حداکثر نمی‌شود. در این زمینه سن (۸) نیز معتقد است عمل مبتنی بر تعهد نسبت به عمل مبتنی بر نفع شخصی از عقلانیت کمتری برخوردار نیست.

د- انتقاد دیگر پیرامون حداکثر کردن نفع شخصی آن است که این نوع عقلانیت یکی از مهمترین عوامل ایجاد اثرات خارجی منفی زیست محیطی می‌باشد زیرا از آنجایی که تنها هدف و انگیزه زندگی رسیدن به حداکثر بهرمندی و مطلوبیت است، نمی‌توان انسانی را که تنها به منفعت خود می‌اندیشد و نه در برابر دیگران و نه در قبال سایر موجودات زنده هیچ مسؤلیتی احساس نمی‌کند از بهره‌مندی آزمندانه از منابع طبیعی و محیط زیست

که در نیل به دستاوردهای مطلوبش به او کمک می‌کند و این عمل را با سازگاری درونی و بدون عیب و نقص انجام دهد، این شخص را به سختی می‌توان معقول دانست و لذا مشکل می‌توان باور کرد که سازگاری درونی گزینشها، به خودی خود بتواند شرط کافی عقلانیت باشد (۷).

به رغم تفاوت‌های متعددی که در تعاریف اندیشمندان اقتصادی از «رفتار عقلانی» دیده می‌شود، تعریف دوم سن از جایگاه ویژه‌ای نزد صاحب نظران و پیشگامان علم اقتصاد برخوردار است به طوری که خود او در این زمینه می‌گوید رفتار مبتنی به نفع شخصی دقیقاً فرض کلاسیک علم اقتصاد است که حامیان بسیار زیادی دارد و اساس تحلیلها و نظریه‌های کلاسیک اقتصادی می‌باشد و پایه بیشتر چیزهایی را که به دانشجویان اقتصاد تعلیم داده می‌شود تشکیل می‌دهد.

با توجه به محوریت تعریف رفتار عقلانی به حداکثر کردن نفع شخصی و جایگاه آن در مبانی فلسفی علم اقتصاد، انتقادات بسیاری به این تعریف وارد شده است که برخی از آنها مطرح می‌شود و سپس تعریف جدیدی از معنای عقلانیت اقتصادی ارائه خواهد شد.

انتقادات وارد شده به عقلانیت اقتصادی

الف- اولین انتقادی که به حداکثر کردن نفع شخصی وارد شده این است که مدرکی برای این مدعا که حداکثر کردن نفع شخصی بهترین تقریب رفتار واقعی انسان عقلایی است وجود ندارد بلکه کسانی که ادعا می‌کنند نظریه نفع شخصی نظریه غالب است عمدتاً این حرف را بر اساس نوعی نظریه پردازی استوار می‌سازند و نه بر تأییدات تجربی (۷).

منصرف کرد. بنابراین دیگر جایی برای ارزشمند دانستن محیط زیست باقی نمی‌ماند.

ه- از جمله انتقادات مطرح شده به این عقلانیت اقتصادی آن است که با این تعریف بدون محدودیت، حقوق نسل‌های آتی به مخاطره می‌افتد و عدالت بین نسلی مراعات نخواهد شد.

و- آخرین انتقادی که پیرامون رفتار عقلایی حداکثر کردن نفع شخصی در اینجا مطرح می‌شود آن است که نتیجه چنین رفتاری ناپایداری توسعه خواهد بود. در این زمینه ملین (۱۸) معتقد است که سالهاست دانشمندان محیط زیست و بوم‌شناسان افزایش فعالیتهای اقتصادی را عامل مهم تخلیه و نابودی منابع طبیعی معرفی کرده‌اند و نشان داده‌اند که با افزایش فعالیتهای اقتصادی، پایداری و انعطاف‌پذیری چرخه‌های زیستی در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

عقلانیت توسعه یافته^۲

انتقادات گسترده‌ای که به عقلانیت اقتصادی به معنای حداکثر کردن نفع شخصی وارد شده است پیشنهادهایی را به همراه خود دارد که حاکی از تغییر و تحول در معنای عقلانیت است که تحت عنوان «عقلانیت توسعه یافته» مطرح شده است. به عبارت دیگر، اظهارنظرهای متفاوتی از اندیشمندان اقتصادی و غیر اقتصادی مشاهده می‌شود که همگی در تغییر فرض کلاسیک و توسعه معنای عقلانیت اشتراک دارند البته قابل ذکر است که هر کدام پیشنهاد خاص خود را پیرامون عقلانیت توسعه یافته مطرح می‌کنند:

سن (۷) عقلانیت را «پیگیری محتاطانه اهداف» معرفی می‌کند و با این تعریف اخلاق را به اقتصاد و عقلانیت پیوند می‌دهد. وی بر این عقیده است که اگر رفتار عقلایی شامل پیشبرد محتاطانه

هدفها باشد، دلیلی وجود ندارد که پیگیری محتاطانه همدردی تا ترویج محتاطانه عدالت را نتوان به صورت اقدامات انتخاب عقلایی در نظر گرفت.

بنابراین از دید سن اولاً امکان وجود اهداف دیگری غیر از نفع شخصی هست که غیر عقلایی هم نیست مانند اهدافی که از ارزشها سرچشمه می‌گیرد همچون: عدالت، همدردی، تعهد و ... ثانیاً پیگیری این اهداف نیز به لحاظ عقلی درست و منطقی است.

انسان‌گرایان^۳ پیرامون توسعه عقلانیت اقتصادی نظر دیگری دارند. پیرس و ترنر (۱۹) در این زمینه معتقدند انسان‌گرایان از عقلانیت خودخواهانه نظریه نئوکلاسیک انتقاد می‌کنند. آنها بحث می‌کنند که افراد قادر به اقدامات نوع دوستانه هستند و لذا یک عقیده توسعه یافته لازم است. از این اظهار نظر، این طور برداشت می‌شود که انسان‌گرایان ملاحظه جنبه‌های انسانی رفتار را به عنوان توسعه عقلانیت رفتاری انسان اقتصادی مدرن مدنظر قرار می‌دهند.

انسان‌گرایان با تقسیم بندی ترجیحات فرد به دو دسته ترجیحات خودخواهانه و ترجیحات نوع دوستانه معتقدند عقلانیت توسعه یافته می‌تواند در ارتباط با رتبه بندیهای ترجیحی چندگانه در درون یک فرد تحلیل شود (ترجیحات خودخواهانه و ترجیحات نوع دوستانه یا گروه خواهانه) (۱۹). بنابراین، از دید آنها عقلانیت به این معناست که فرد بین انواع ترجیحات خودخواهانه و نوع دوستانه انتخاب عقلانی انجام دهد و بهترین آنها را انتخاب کند. البته از نظر آنها در بین انگیزه‌های بدیل و جایگزین، ملاحظاتی اخلاقی و ترجیحات نوع دوستانه رتبه بندی بالاتری دارد (۱۹).

به عقیده پیرس و ترنر (۱۹) انسان‌گرایان همچنین پایبندی به رعایت قوانین را از ثمرات عقلانیت توسعه یافته می‌دانند و معتقدند این

عقلانیت توسعه یافته نوعی تعهد قوی را در فرد ایجاد می کند که به قوانینی که در نظر او فراتر از ترجیحاتش می باشد، گردن نهاده هر چند که یک تنش بالقوه بین قانون و منافع شخصی تنگ نظرانه وجود دارد. از این اظهار نظر این طور استنباط می شود که دخالت بیشتر در بخشهایی از اقتصاد که به دلیل رفتارهای خودخواهانه با کاهش رفاه مواجه است، ترجیح عقلانی دارد و به عنوان عقلانیت توسعه یافته مطرح است.

الریش و ماک (۲۲) با انتقاد از عقلانیت حداکثر کردن نفع شخصی، بر تقیید منافع اقتصادی غیر مقید به وسیله اخلاقیات فلسفی تأکید می کنند بدین نحو که توسعه اقتصادی نوین، رابطه بین اقتصاد و اجتماع را تغییر داده است و پایه فرهنگی اخلاق پروتستانی و پایه فناوریانه انقلاب صنعتی را در هم آمیخته، یک نوع عقلانیت اقتصادی مطلق و بدون قید را ایجاد کرده است؛ اما امروزه مفهوم «نظریه اقتصادی شکل گرفته بر مبنای غیرارزشی» و «منابع اقتصادی غیر مقید» از یکسو و مفهوم « اخلاقیات فلسفی» از سوی دیگر باید به عنوان دو مسأله اساسی در روابط و مناسبات نظری و کاربردی در کنار هم در نظر گرفته شود. بر طبق این اظهار نظر، عقلانیت توسعه یافته یعنی تلفیق همه جانبه اخلاق و اقتصاد در نظر و عمل و به عبارت دیگر ورود اخلاق به همه حوزه های نظری و عملی علم اقتصاد.

در پایان این مبحث به نظر مساوات طلبان اشاره می کنیم که از عقلانیت حداکثر نفع شخصی فاصله گرفته و به سمت جنبه های اجتماعی طبیعت بشری متمایل شده اند. بیشتر مساوات طلبان، تفکرشان را به طبیعت بشری که بوسیله انسان اقتصادی عقلانی تحت الگو درآمد است، محدود نمی کنند بلکه به جنبه های

عمومی و اجتماعی طبیعت بشری و امکان نوعی قرارداد اجتماعی تأکید می کنند. از دیدگاه این اظهار نظر جمعگرا، همه ارزشهای بشری به ارضای ترجیحات حسی افراد محدود نمی شود. افراد هم ترجیحات خصوصی (خودخواهانه) و هم ترجیحات عمومی (منافع عمومی یا منافع یک گروه یا حزب) دارند (۱۹). بنابراین مساوات طلبان، عقلانیت توسعه یافته را در نظر گرفتن ترجیحات عمومی در مناسبات و روابط اقتصادی می دانند و به رفتار حداکثری فرد بسنده نمی کنند. به نظر می رسد که بر طبق این دیدگاه، ارزشهای اخلاقی چون عدالت درون نسلی و برابری که به منافع جمع نظر دارد، اعتبار خاصی داراست. در نهایت می توان از مباحث مطرح شده در این بخش این طور نتیجه گیری کرد که گرچه اظهار نظرهای بسیار متنوعی در زمینه عقلانیت توسعه یافته وجود دارد اما تقریباً در فحواهی همه آنها یک مضمون مشترک وجود دارد که عبارت است از: «عمل مبتنی بر ترجیحات انسانی و اخلاقی» که هم ترجیحات مادی شخصی و هم ترجیحات ارزشی را شامل می شود و دلالت دارد بر این نکته که انسان عقلایی در تصمیم گیریهای خود بیشینه ساز است و طوری عمل می نماید که ترجیحات خود را که مشتمل بر ترجیحات مادی و ترجیحات اخلاقی هر دو است، حداکثر می نماید؛ و لذا اقتصاددانان بسیاری بر این عقیده هستند که این معنا از عقلانیت باید در تحلیلهای اقتصادی وارد گردد و بر اساس این معنا باید سیاستگذاریهای اقتصادی صورت پذیرد.

تأثیر تغییر نگرش در معنای عقلانیت بر مباحث اقتصاد

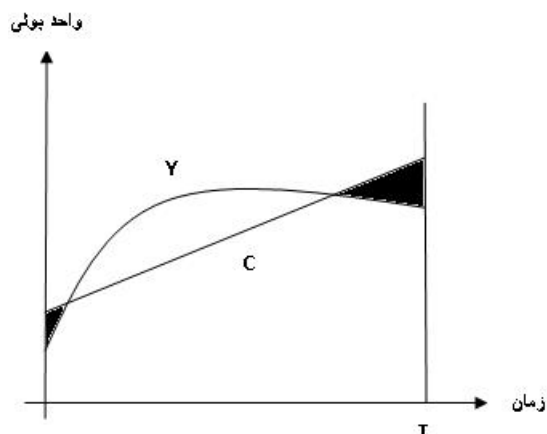
خرد و اقتصاد کلان

همان طور که قبلاً هم اشاره شد حداکثر کردن نفع شخصی، پیش فرض تحلیلهای اقتصادی قرار گرفته است و لذا نظریه های مطرح

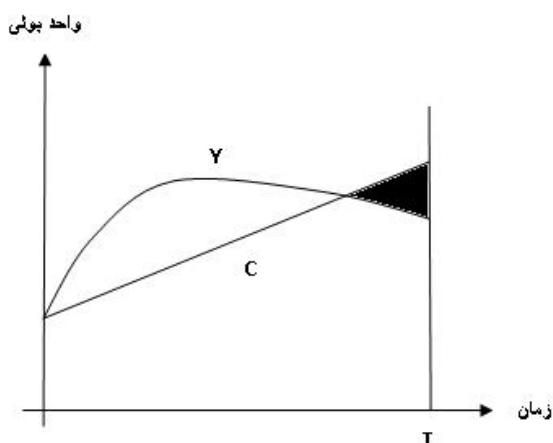
ابوالقاسم توحیدی‌نیا: امکان سنجی تأثیر اخلاق بر مبانی اقتصاد خرد و کلان

تأدیه نموده و مقداری را هم برای دوران کهولت کنار گذارد. در واقع در سالهای آخر عمر (قسمت دوم هاشورخورده) این فرد پس انداز منفی دارد و لذا پدیده تجربی $MPC < APC$ که در تحلیل مقطع زمانی مشاهده شده بود توجیه می‌شود (۳).

فرضیه دوران زندگی با این فرض محتمل مواجه است که برخی از افراد توانایی دریافت هیچگونه وامی را ندارد بنابراین نمودار ۱ به صورت ذیل در می‌آید که در آن در طرف ابتدایی زندگی، محدودیت اخذ وام وجود دارد:



نمودار ۱: مصرف-درآمد فرد طبق فرضیه دوران زندگی



نمودار ۲: مصرف-درآمد فرد طبق فرضیه دوران زندگی با فرض محدودیت اخذ وام

شده در اقتصاد خرد و اقتصاد کلان بر این اساس بنا شده‌اند اما با فرض اینکه عقلانیت توسعه یافته است که با واقعیات رفتاری عوامل اقتصادی همخوانی بیشتری دارد، پس آن دسته از تحلیلها و فرضیه های موجود در اقتصاد خرد و اقتصاد کلان هم که بر مبانی عقلانیت مبتنی بر حداکثر نفع شخصی مطرح شده‌اند ممکن است دچار تحول شوند که برای اثبات این مدعا تنها به تبیین تأثیر عقلانیت توسعه یافته بر یک مسأله از مسائل اقتصاد خرد و دو مسأله از مسائل اقتصاد کلان اکتفا می‌کنیم.

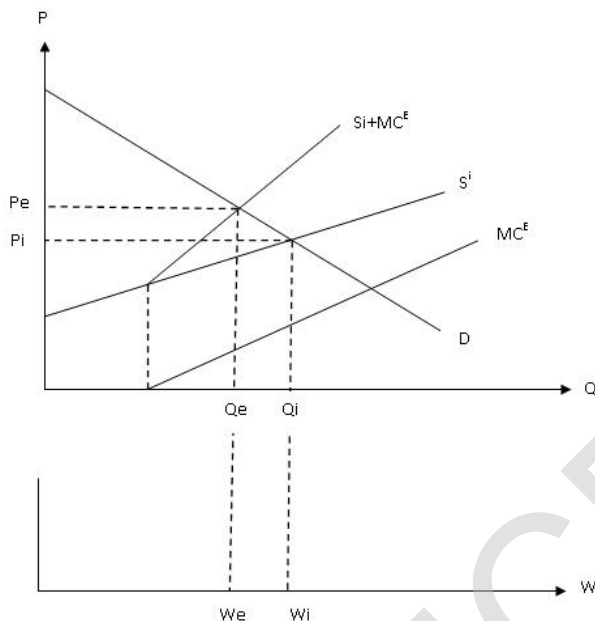
عقلانیت توسعه یافته و فرضیه دوران زندگی^۴ آندو-

مودیگیلانی

فرضیه دوران زندگی آندو - مودیگیلانی برای توجیه این پدیده تجربی ارائه گردید که مطالعات مقطع زمانی بودجه حاکی از آن بود که همگام با افزایش درآمد نسبت پس انداز به درآمد S/Y نیز افزایش می‌یابد به طوری که در بخشهای مقطعی جمعیت، میل نهایی به مصرف، کوچکتر از میل متوسط به مصرف است $(MPC < APC)$.

این فرضیه برای تبیین پدیده مشاهده شده بیان می‌دارد که جریان درآمدی یک فرد نوعی در ابتدا و اواخر عمر نسبتاً پایین و کم مقدار است اما این فرد می‌تواند انتظار داشته باشد که مصرفش در تمام دوران زندگی تقریباً ثابت باشد یا احتمالاً روند خفیف افزایشی داشته باشد و لذا نمودار مصرف و درآمد وی در طول دوران زندگی اش به صورت ذیل است که در آن T بیانگر طول عمر فرد است: این الگو بیان می‌دارد که در سالهای اول زندگی (اولین قسمت هاشور خورده) فرد وام گیرنده خالص است و در سالهای میانی عمر مقداری از درآمد خود را پس انداز می‌کند تا بدهی قبلی خود را

زیست باید بر اساس میزان خسارتی که وارد می کند مالیات بپردازد. به همین دلیل، این گونه جریمه ها را جریمه های پیگویی^۵ گویند. ساز و کار عملکرد این نوع مالیات با کمک نمودار ذیل مشخص می شود که در آن W میزان آلودگی تولید شده توسط یک بنگاه تولیدی است.



نمودار ۳: مالیات آلودگی اخذ شده از یک بنگاه

در نمودار فوق، هزینه نهایی خارجی ناشی از آلودگی یک بنگاه تولیدی با MC^E و هزینه نهایی داخلی یا هزینه نهایی تولید کننده با S^I و هزینه نهایی اجتماعی ناشی از آلودگی ایجاد شده توسط این بنگاه با $S^I + MC^E$ نشان داده شده است. بر طبق این نمودار تولید کننده مایل است در سطح Q_i تولید کند اما بهینه اجتماعی در سطح Q_e است لذا با وضع مالیات به میزان $P_e - P_i$ بر تولید کننده، سطح بهینه اجتماعی محقق می شود و میزان آلودگی از W_i به W_e کاهش می یابد. حال اگر بخواهیم رفتار کلیه آلوده کنندگان محیط زیست را که به تولید Q اشتغال دارند در سطح کلان مورد مطالعه قرار می دهیم، باید از نمودار ۴ بهره بگیریم.

بنابر نمودار ۲ مسیر مصرف و درآمد تا نقطه A بر هم منطبق است و از این نقطه به بعد است که مسیر مصرف و درآمد بر طبق فرضیه دوران زندگی جدا می گردد.

فرض محدودیت نقدینگی که در بالا مطرح شد با در نظر گرفتن اصل عقلانیت توسعه یافته تا حد بسیار زیادی نامحتمل به نظر می رسد یعنی با احتمال زیاد، فردی را نمی توان یافت که توانایی دریافت حداقل وام را نداشته باشد زیرا از یکسو فرد وام گیرنده خود را نسبت به پرداخت به موقع بدهی، مسؤول و متعهد می داند و لذا نهایت تلاش خود را می کند تا اقساط وام به موقع پرداخت شود. از سوی دیگر فردی که ضامن وام گیرنده می شود با وارد کردن انتظارات اخلاقی موجود در عقلانیت توسعه یافته در عملکرد رفتاری خود یعنی با وارد کردن حسن ظن نسبت به اینکه وام گیرنده به تعهدات خود پایبند است در تصمیم گیری خود، ضمانت او را بر عهده می گیرد و بدین ترتیب، وام گیرنده به حداقل اعتبار مورد نیاز دست پیدا می کند. لذا یک سطح حداقلی برای قسمت هاشورخورده اول در نمودار ۱ وجود خواهد داشت و مورد مربوط به نمودار ۲ به ندرت و با احتمال بسیار کمی بوجود خواهد آمد. در نتیجه با در نظر گرفتن اصل عقلانیت توسعه یافته ما توانستیم فرض محدودیت نقدینگی را از نظریه دوران زندگی آندو - مودگیلانی که یک نظریه پیرامون تابع مصرف است، حذف کنیم.

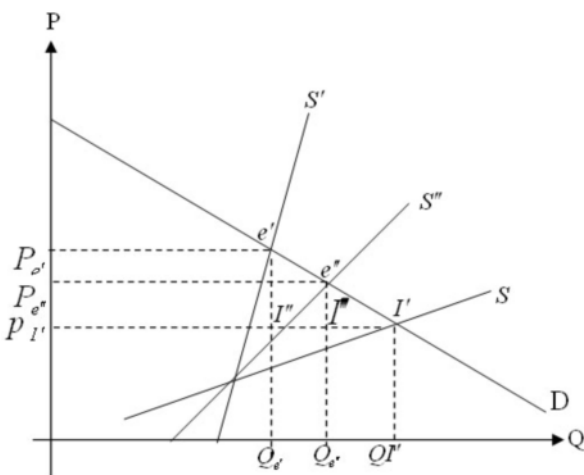
عقلانیت توسعه یافته و کارایی مالیات بر آلودگی و

سطح رفاه اجتماعی

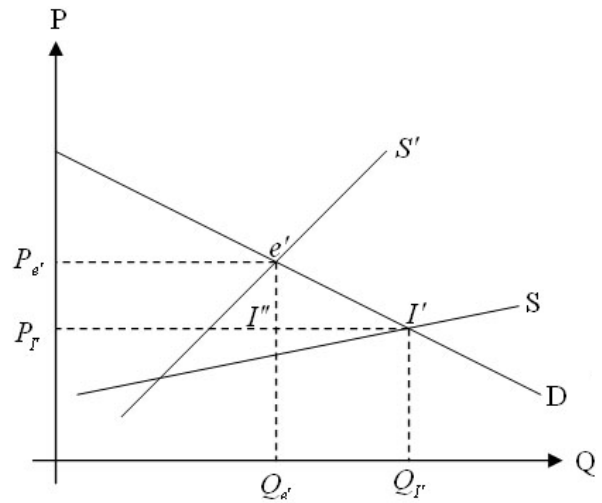
یکی از راههای مقابله با ایجاد پیامدهای منفی زیست محیطی، وضع مالیات بر آلوده کنندگان است. اولین بار پیگو در ۱۹۲۰م فکر مالیات بر آلودگی را مطرح کرد (۵). او پیشنهاد کرد آلوده کننده محیط

است پس انجام این گونه اعمال باعث کاهش مطلوبیت او می شود. لذا در نمودار ۳ MC^E به طرف پایین منتقل می شود که باعث انتقال منحنی S^I+MC^E به سمت پایین می شود.

اگر فرض شود که همه تولیدکنندگان آلوده کننده محیط زیست مطابق اصل عقلانیت توسعه یافته عمل می کنند، در نمودار شماره ۴ منحنی S' به سمت پایین منتقل می شود که ما آن را S'' می نامیم. دلیل این امر آن است که قبح اخلاقی آلوده کردن محیط زیست و آسیب رساندن به انسانها و سایر موجودات در نظر تولیدکنندگان برای آنها عدم مطلوبیت ایجاد کرده و سبب می شود رفتار خود را اصلاح نمایند و محیط زیست را کمتر آلوده کنند. به عبارت دیگر عقلانیت توسعه یافته سبب می شود تولیدکنندگان، آن سطح از تولید را انتخاب نمایند که به لحاظ اجتماعی بهینه است که بر طبق نمودار، بی تردید آن سطح، آلودگی کمتری را به محیط زیست تحمیل می کند. در این صورت می توان اتلاف رفاه اجتماعی حاصل از وضع مالیات بر آلوده کنندگان را از نمودار ذیل و به طریق مشابه قبل استخراج کرد که برابر است با $e''I''I'$.



نمودار ۵: تأثیر عمل به عقلانیت توسعه یافته در کاهش آلودگی و رفاه جامعه



نمودار ۴: تأثیر مالیات بر آلودگی در سطح کلان

در این نمودار منحنی S منحنی عرضه کالای Q در شرایط عدم وضع مالیات بر آلوده کنندگان است اما همانطور که در قبل بیان شد برای آنکه میزان تولید کالای Q توسط تولیدکنندگان فردی در سطح بهینه اجتماعی اش باشد، باید بر آنها مالیات آلودگی وضع کرد. وضع این نوع مالیات سبب می شود که منحنی عرضه کل Q از S به S' منتقل شود که متناسب با منحنی عرضه فردی S^I+MC^E در نمودار ۳ است. در آن شرایط ما مشاهده می کنیم که به دلیل وضع مالیات، جامعه با کاهش رفاهی معادل سطح $e''I''I'$ مواجه می گردد. اکنون فرض کنید که اصل عقلانیت توسعه یافته معیار و ملاک عمل بنگاههای تولیدی باشد یعنی یک بنگاه تولیدی به دنبال حداکثر کردن توأمان سود شخصی و ترجیحات اخلاقی اش باشد لذا سعی می کند تا جایی که امکان دارد از ایجاد پیامدهای جانبی منفی زیست محیطی امتناع ورزد. این امر بدین علت است که ایجاد پیامدهای جانبی منفی زیست محیطی باعث آسیب دیدن افراد دیگر و همچنین حیوانات و گیاهان می شود و لذا مخالف ترجیحات یک تولید کننده اخلاقگرا

در فصل یا ناحیه ای خاص ممنوع می باشد. مثال دیگر اینکه در صدر اسلام مردم یثرب به دلیل داشتن اعتقادات مذهبی معتقد بودند که قطع درختان حرام می باشد(۱).

عقلانیت توسعه یافته و تأثیر آن بر رشد و توسعه

اقتصادی

در سالهای اخیر پیرامون ارتباط سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی و نقش ارزنده سرمایه اجتماعی در تحقق توسعه کشورهای توسعه یافته و همچنین نقش آن در دستیابی کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به توسعه اقتصادی مطالب بسیاری مطرح شده است. به عنوان مثال فوکویاما (۱۴) معتقد است که بسیاری سرمایه اجتماعی را به عنوان عامل کلیدی توسعه اقتصادی در نظر می گیرند. پوتنام (۲۰) نیز بر این عقیده است که در ادبیات اقتصادی موجود، اندیشه اساسی آن است که جوامعی با سطح سرمایه اجتماعی بالاتر، توسعه اقتصادی سریع تری را تجربه می کنند. همچنین وولکاک (۲۴) هم اعتقاد دارد که سرمایه های اجتماعی اعتماد عمومی، حاکمیت قانون و آزادی مدنی با رشد اقتصادی به طور مثبت در ارتباط هستند. در نهایت لازم به ذکر است که صاحب نظران بسیاری چون چوپرا (۱۱)، اسمالدرس و همکارش (۲۱)، فریجتس و بزمر (۱۳)، و بسیاری دیگر از اندیشمندان اجتماعی و اقتصادی پیرامون تأثیر سرمایه اجتماعی و اقتصادی بر رشد و توسعه اقتصادی صحبت کرده اند.

از طرف دیگر اعتقاد به ارزشهای اخلاقی و مقوله های فرهنگی و ارزشی و عمل به آنها توسط عوامل اقتصادی که اندیشه اساسی عقلانیت توسعه می باشد، جزء ارکان اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می شود که در این زمینه برگ و هفتر (۱۰)، فینکه (۱۲)،

همان طور که از نمودار شماره ۵ کاملاً مشخص است $e'I'I' < e'I'I'$ و این بدان معناست که با در نظر گرفتن اصل عقلانیت توسعه یافته به جای اصل عقلانیت حداکثر کردن نفع شخصی، میزان مالیاتی که بر هر آلوده کننده وضع می شود کم شده و به تبع آن، میزان کاهش سطح رفاه اجتماعی که به دلیل وضع مالیات آلودگی ایجاد می شود کاهش خواهد یافت.

در اینجا شاید این سوال مطرح گردد که اگر قرار باشد تولیدکننده به دلیل رعایت ملاحظات اخلاقی با افزایش هزینه نهایی مواجه گردد، علاوه بر کاهش سودآوری بنگاه، منحنی عرضه نیز به سمت چپ منتقل گشته و رفاه اجتماعی از این حیث کاهش می یابد. پاسخ این سؤال دقیق آن است که نباید فراموش گردد که فرض ما این بود که عقلانیت توسعه یافته در جامعه حاکم است. در چنین شرایطی اگرچه ممکن است به تولیدکننده و به تبع آن به جامعه هزینه اضافی تحمیل گردد اما این قسم از هزینه ها به مانند هزینه ای است که یک فرد نیکوکار برای کمک به یک معلول می نماید اما هیچگاه از این هزینه کردن ناراضی نیست بلکه همواره به آن فکر کرده و از این کار لذت می برد یا مانند هزینه بسیار زیاد یک جامعه اخلاق محور جهت تعلیم و تربیت ناتوانان ذهنی است که مطلوبیت و رضایتمندی افراد جامعه را در پی دارد و جامعه از این بابت احساس کاهش رفاه نمی نماید.

به منظور اثبات این مدعا که چنین کارکردی از عقلانیت توسعه یافته ساده انگاری یا آرمانگرایی نمی باشد به دو شاهد مثال در این زمینه اشاره می شود. ژرژ تومه (۶) به نقل از مونس رازاً بیان می کند که در برخی از قبایل هندوستان به دلیل وجود نوعی اعتقاد ارزشی و فرهنگی، شکار بعضی از انواع حیوانات و پرندگان شکاری

و کاهش کمتری داشته باشد. دیگر اینکه نقش عقلانیت توسعه یافته در رشد و توسعه اقتصادی به موضوعی فراگیر و قابل توجه بدل گشته است. در خاتمه قابل ذکر است که رفتار اکثریت عوامل اقتصادی مبتنی بر پیش فرض عقلانیت توسعه یافته نمی‌باشد و چگونگی عینیت بخشیدن به این اندیشه مسأله‌ای است که در این مقاله به آن پرداخته نشده و لذا پرداختن به آن، به تحقیقات آتی و پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد و واگذار می‌گردد. البته به نظر می‌رسد که با اصلاح فرهنگ عمومی از طریق فرهنگ سازی ارزشهای اخلاقی و هنجارهای انسانی می‌توان پیش فرض عقلانیت توسعه یافته را در جامعه عینیت بخشید به گونه‌ای که اکثریت عوامل اقتصادی، رفتارهای خود را بر آن مبتنی سازند.

واژه‌نامه

1. Economic Rationality	عقلانیت اقتصادی
2. Extended Rationality	عقلانیت توسعه یافته
3. Humanists	انسان‌گرایان
4. The Life-Cycle Hypothesis	فرضیه دوران زندگی
5. Pigouvian Tax	مالیات پیگویی
6. Moonis Rasa	مونیس رازا

منابع

۱. احمدالعلی صالح. دولت رسول خدا. ترجمه: هادی انصاری. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۳۸۱.
۲. اسملسر نیل. جامعه شناسی اقتصادی. ترجمه: محسن کلاهیچی. انتشارات کویر ۱۳۷۶.
۳. برانسون ویلیام. تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان. ترجمه: عباس شاکری. نشرنی ۱۳۷۳.
۴. بیلینگتون روزاموند، استرابریج شیلدا. فرهنگ و جامعه. ترجمه: فریبا عزبدفتری. نشر قطره. ۱۳۸۰

آیاناکونه و کلیک (۱۷)، پوتنام (۲۰)، گلیسر و همکارانش (۱۵)، وودبری (۲۳) و بسیاری دیگر از صاحب نظران هر یک به نوعی این موضوع را بررسی و تبیین کرده‌اند. به عنوان مثال از نظر گلیسر و همکارانش (۱۵) مکانهای عبادت به عنوان سازمانهای اجتماعی و شبکه‌ها و تعاملاتی که توسط کلیساها گسترش می‌یابند به عنوان سرمایه اجتماعی مطرح هستند. همچنین کلمن (۱۰) عواملی چون دین و مذهب، ایدئولوژی، فرهنگ و هنجارها را جزء سرمایه اجتماعی بر می‌شمرد.

بنابراین معلوم می‌شود که امروزه تأثیر عقلانیت توسعه یافته بر رشد و توسعه اقتصادی که به واسطه ایجاد و انباشت سرمایه اجتماعی محقق می‌گردد به یک نظریه فراگیر و مورد توجه جمع کثیری از صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی تبدیل گشته است که قابل انکار یا چشم پوشی نیست.

نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه می‌شود اصل عقلانیت توسعه یافته که به عنوان یک جایگزین برای اصل عقلانیت حداکثر نفع شخصی مطرح شد، مراعات اخلاق را که در واقعیت زندگی عوامل اقتصادی هم نمود عینی دارد در مبانی فلسفی اقتصاد کلاسیک لحاظ می‌کند. این امر سبب می‌شود که مسائل مطرح در اقتصاد خرد و اقتصاد کلان هم تحت تأثیر این تغییر قرار گرفته و راه‌حلهای جدید و یا تغییرات کمی و کیفی قابل ملاحظه‌ای را طلب نماید. به عنوان مثال عقلانیت توسعه یافته فرض محدودیت نقدینگی را از نظریه دوران زندگی آندو-مودیگلیانی حذف می‌کند؛ همچنین سبب می‌شود رفاه اجتماعی از مالیات بر آلودگی کمتر متأثر گردیده

16. Holmes T, Kramer R (1995). Economic Values, Ethics and Ecosystem Health. Southern Research Station. U.S. Forest Service Lth international symposium on ecosystem health and medicin. Duke Unirersity. Availabbe at: www.srs.usd.gor.
17. Iyanaccone L, Click J (2003). Spiritual Capital: An Introduction & Literature Review. American Enterprise Institute.
18. Melin A (1999). Reflexive Equilibrium as Method for Analyzing the Ethical Problem of Assessing Environmental Impacts. Linkoping University.
19. Pearce D, Turner K (1990). Economics of Natural Resources and the Environment. new yourk : Harvest Wheatsheaf
20. Putnam R (2001). Social Capital Measurement and Consequences. ISUMA. 2(1). Availabbe at: www.isuma.net.
21. Smulders S, Beugelsdijk S (2004). Social Capital & Economic Growth. Tilburg Univ.
22. Ulrich P, Maak T (2000). Business Ethics: the Founding principles. European Business Forum 1.
23. Woodbery RD (2004). Researching Spiritual Capital: Promises and Pitfals. Availabbe at: www.metaneaus.net/spiritual.capital.
24. Woolcock M (2001). The Place of Spiritual Capital in Understanding Social and Economic Outcomes. Availabbe at: www.isuma.net.
۵. ترنر کری، پیرس دیوید، باتمن، آیان. اقتصاد محیط زیست. ترجمه: دهقانیان سیاوش، کوچکی عوض، کلاهی علی. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۴.
۶. تومه ژرژ. توسعه فرهنگی و محیط زیست. ترجمه: شارع پور محمود. انتشارات باز ۱۳۸۰.
۷. سن آمارتیا. اخلاق و اقتصاد. ترجمه: فشارکی حسن. انتشارات شیرازده ۱۳۷۷.
۸. سن آمارتیا. توسعه به مثابه آزادی. ترجمه: راغفر حسین. انتشارات کویر ۱۳۸۱.
۹. کلمن جیمز. بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: صبوری منوچهر. نشرنی ۱۳۷۷.
10. Berger P, Hefner R W (undated). Spiritual Capital in Comparitive Perspective. Beston University. Availabbe at: www.spiritualcapitalresearchprogram.com/pdf/Berger.pdf.
11. Chopra K (2001). Social Capital & Sustainable Development. The Role of Formal & Informal Institutions in a Developing Country, University Enclave & Institute of Economic Growth.
12. Finke R (2003). Spiritual Capital Definitions Applications and new Frontiers. Penn State Univ.
13. Frijters P, Bezemer DJ (2003). Contacts Social Capital & Market Institutions. Availabbe at: www.economics.adelaide.edu.au.
14. Fukuyama F (2002). Social Capital and Developments. The Coming Agenda, SAIS Review. Winter, spring 2002.
15. Glaeser E, Laibson D, Sacerdote B (2001). The Ecnomic Approach to Social Capital. Harvard University.